

جمله کلمات درس پانزدهم کلمات هم معنی	
جوهر - ستم، ظلم	بگریست - گریه کرد
بیخ - بن، ریشه، ته	فرجام - پایان، عاقبت
تیشه - ابزار آهنی نجاران و سنگ تراشان	افلاطون - نام دانشمند و فیلسوف یونانی
موسم - هنگام، وقت و زمان چیزی	ولیکن - ولی
توده - لنبوه، خرمن	
دهقان - کشاورز	

املا دل:

الف) گزینه « ۴ »

ب) بیدار - بنام - بینایی - بیخود - بیره - بیجا

پ) بی ادب - بی پروا - بی بهره - بی شک - بی آزار - بی اعتبار

ت) (۱) خار

(۲) تخته

(۳) موسم



صفحه ۱۲۲ تا ۱۲۴

تمرین درس یازدهم

۱. جور ← ستم جرم ← گناه

موسم ← فصل، هنگام هبمه ← هبزم سوختنی

خوار ← پست

۲. الف) درست

(ب) نادرست: توصیه به رفتار صحیح و دوری از سخن بی عمل است.

(پ) نادرست: اشاره به انسان‌هایی است که قبلاً اتفاقی برایشان افتاده که از هر چیزی شبیه آن اتفاق می‌ترسند.

۳. الف) آه

(ب) افسوس

(پ) آفرین

(ت) الحمدالله

۴. الف) از این که فقط حرفی بزنی و به آن عمل نکنی چه فایده دارد؟! عملت را خوب و درست کن زیرا که سودی در حرف زدن و گفتار بدون عمل نیست.

(ب) افسوس که تبدیل به هبزم شدم و آتش روشن کن جهان هستم و این آتش بدبختی، بدن خودم را هم سوزاند.

(پ) شعله هم به روی او خندید و گفت: «از دست که می‌نالی؟ زیرا بی‌بار بودن و بی‌حاصل بودن خودت تو را این چنین کوچک و خوار و ذلیل کرده است.»

۵. الف) گزینه‌ی «۳»

(ب) مصرع دوم

(پ) گزینه‌ی «۳»

(ت) گزینه‌ی «۳»

۶. ۱) از دانشمندان و وزیران دربار انوشیروان

۲) اطبا (بزشکان - حکیمان)

۳) زیرا نظر سایرین را درست می‌دانست و نیازی نمی‌دید سخنی بگوید.

۴) بازپاسخ